

شیوه نظارت رئیس جمهور در تقنین و اجرای قانون اساسی

علیرضا یاری (نویسنده مسئول)^۱، حسن الفتی^۲، پژمان غفوری^۳

^۱ کارشناس و نویسنده مسائل حقوقی، قروه alirezakord2323@gmail.com

^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، کرمانشاه hasanolfati@pnu.ac.ir

^۳ پژوهشگر دکتری حقوق عمومی و مدرس دانشگاه، سنندج Pezhmangh31@gmail.com

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عصاره ارزش ها و آرمان های ملت ایران است. پاسداری از قانون اساسی در کشورهای مختلف به صورت های متفاوتی انجام می گیرد. در کشور ایران پاسداری از قانون اساسی از طریق نهادهای رسمی همچون رهبری، شورای نگهبان، قوای مقننه، مجریه و قضائیه صورت می پذیرد. اما با توجه به اهمیت نقش قوه مجریه در مقایسه با دو قوه دیگر در این خصوص، در یک بیان کلی می توان به این موضع اشاره کرد که مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی و در پاره ای موارد نظارت تقنینی قانون اساسی را بر عهده رئیس جمهور گذاشته شده است. لذا در این پژوهش سعی بر آن شد تا ضمن شرح مفاهیم مرتبط با موضع به چگونگی نحوه نظارت رئیس جمهور در تقنین و اجرای قانون اساسی پرداخته شود که پس از مطالعه در این زمینه می توان به این نتیجه رسید که در باب نظارت تقنینی رئیس جمهوری وجود نداشته و درخصوص نظارت بر اجرای قانون اساسی نیز رئیس جمهوری از اختیارات لازم برای این امر برخوردار نبوده و شاید بهتر آن باشد این امر دیوان عالی کشور، به عنوان عالی ترین مرجع رسیدگی به موارد نقض قانون سپرده شود.

کلیدواژه: نظارت، رئیس جمهور، اجرای قانون، تقنین قانون، قانون اساسی.

مقدمه

۱-۱ مفهوم نظارت

نظارت در اصل یک واژه عربی است که از ماده نظر و به معنای نگاه توأم با تأمل و اعتبار آمده است و بیشتر به معنای حاصل مصدر یعنی به رأی صادره از سوی ناظر به کار می رود (عمید زنجانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴). نظارت در حقوق اساسی نیز بررسی و ممیزی و ارزش‌یابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آن‌ها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین، قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف افراد تعریف شده است (قاضی، ۱۳۸۳: ۳۵۲). کوتاه سخن آن که نظارت در مفهوم حقوقی عبارت است از بازرسی و سنجش و ارزش‌یابی اقدامات مجریان و ناظر کسی که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجش تعیین می شود. آن چه در مجموع نظریات مختلف در تعریف نظارت می توان یافت آن که در همه تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آنچه در حال وقوع است دانسته اند به عبارتی نظارت مقایسه ضمنی بین آن چه هست و آن چه باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب است (ایزدهی، ۱۳۹۰: ۷).

۱-۲ اصول ناشی از نظارت

اصول ناشی از نظارت را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- اصل پاسخگویی

۲- اصل انتظار مشروع

۳- الزام به بیان دلایل تصمیم

که در ادامه سعی بر آن شد به معرفی هر یک پرداخته شود.

۱-۲-۱ پاسخگویی

پاسخگویی و مسئولیت پذیری نهادها و دستگاه های اجرایی در برابر ارباب رجوع از مهمترین ابزارهای تضمین کننده حقوق شهروندی محسوب می شود. این اصل از بُعد مدیریتی و هم از بُعد حقوقی از اهمیت فراوانی برخوردار است که در ضمن آن همه اعضای سازمان در برابر اختیارات و وظایف محوله باید پاسخگو باشند. (فرهنگی، ۱۳۸۷: ۱۳) از منظر حقوقی، پاسخگویی در ساده ترین مفهوم آن عبارت از این است که مأمور یا نماینده دولت (شخص آ) در برابر دیگری (شخص ب یا شهروند) جوابگو باشد، به این ترتیب اصل پاسخگویی، همه در برابر قانون تطبیق نمی شود. پاسخگویی، نامنظم و سلیقه ای بوده و فقرا، محرومان و ضعیفان بسیار

1 نظارت استصوابی وقتی است که مقام ناظر علاوه بر مراقبت بر امور شخصاً اختیار قانون برای هر گونه اتخاذ تصمیم در امر مورد نظارت داشته باشد.

2- نظارت اطلاعاتی وقتی است که امور با اطلاع مقام ناظر انجام شود، اما ناظر مستقیماً حق دخل و تصرف و یا اتخاذ تصمیم در مورد نظارت نداشته باشد، بلکه موارد تخلف را به مقام بالاتر (ناظر استصوابی) برای اتخاذ تصمیم گزارش نماید. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۵۳۱، ۵۳۰).

بیشتر از ثروتمندان و افراد با نفوذ، به جوابگویی در برابر اعمالشان وادار می شوند (غفوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲۷).

۲-۲-۱ اصل انتظار مشروع

انتظار مشروع به مثابه یکی از ابزارهای کنترل قضایی اعمال دولت، در حقیقت همان توقعات و خواسته های معقول و متعارف شهروندان است که در وضعیت های خاص و تحت شرایط ویژه از طریق حمایت قضایی، مشروعیت یافته و مورد احترام قرار گرفته است. از این رو لازمه شناخت انتظار مشروع، وجود انتظار معقول در وضعیت های معین و تحت شرایط خاص است.

۳-۲-۱ اصل الزام به بیان دلایل تصمیم

اجرای این اصل مدیران و قضات کشور را از تصمیم گیری های خودسرانه و بدون دلیل باز می دارد و به رعایت اصول عقلی و قانونی وا می دارد. مدلل ساختن تصمیم ها و اقدامات، موجب می شود که از طریق فرهنگ حقوقی یا اداری و سیاسی تحت کنترل اجتماعی قرار گیرند. این اصل در یک تحلیل نهایی بازتاب اصل حاکمیت قانون و رفتار منصفانه یا عادلانه است.

۳-۱ فلسفه نظارت رییس جمهور از قانون اساسی

قانون اساسی میثاق میان ملت و دولت و بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، ریال اجتماعی و اقتصادی جامعه و حقوق و آزادی های اساسی ملت و ترسیم کننده چارچوب نظام حکومتی است. طبیعتاً نظام حکومتی که بر مبنای قانون اساسی پذیرفته شده از سوی ملت تشکیل می شود باید در جهت حفظ و حراست از قانون اساسی و اجرای مقررات آن همت گمارد. قانون اساسی ممکن است از یک سو با تصویب قوانین عادی با دستورات و مقررات لازم الاجرای دولتی و از سوی دیگر با نقض عملی مقررات آن یا کوتاهی در فراهم کردن زمینه های اجرایی آن، مورد تجاوز قرار گیرد. در متن قانون اساسی بسیاری از کشورها، تمهیداتی در هر دو زمینه مزبور اندیشیده شده و راهکارهایی طراحی شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظیفه اول بنا به اصل ۷۲ قانون اساسی (مجلس شورای اسلامی) نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است) به عهده نهاد خاص و مستقلی به نام شورای نگهبان گذاشته شده است.

اما وظیفه دوم یعنی مراقبت در اجرای اصول قانون اساسی و متروک نماندن آن ها و عدم نقض عملی آنها، ضمن در نظر گرفتن تمهیداتی بر عهده رئیس جمهوری گذاشته شده است. اما قانون اساسی فوق همه تمهیدات و اقدامات رئیس جمهور را نه صرفا به عنوان رئیس یکی از قوای سه گانه یعنی قوه مجریه، بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری مسئول اجرای قانون اساسی دانسته است. از این رو می تواند و بلکه موظف است همه توان و نفوذ خود را برای پیاده شدن قانون اساسی و نیز جلوگیری از نقض آن در هر یک از قوای سه گانه، حتی قوه مقننه و قوه قضاییه به کار گیرد و اقدامات لازم را در خصوص انجام این مسئولیت انجام دهد. انجام این وظیفه در ارتباط با قوای مقننه و قضاییه، تداخل قوه مجریه در قوای دیگر و منافای با اصل تفکیک قوا محسوب نمی شود، چرا که قانون اساسی این وظیفه و مسئولیت را نه به عنوان رئیس جمهور بلکه به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از رهبری بر عهده رئیس جمهوری گذاشته است.

اصل ۱۱۳ قانون اساسی، دو شأن برای رئیس جمهور در عرض هم قائل شده که عبارت است از، بالاترین مقام رسمی کشور بودن بعد از رهبری و ریاست قوه مجریه رییس جمهور، دو شأن ریاست قوه مجریه، در عرض روسای قوه مقننه و قضاییه قرار دارد و هر یک از قوا براساس استقلال و تفکیک قوای نسبی وظایف خود را انجام می دهند و نباید تداخلی در وظایف یکدیگر داشته باشند، ولی در شأن بالاترین مقام رسمی کشور بودن بعد از رهبری، رئیس جمهور بر کار دو قوه دیگر نظارت دارد که از اصول قانون اساسی تخطی نکنند. طبق قانون اساسی در نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران، رهبر، بالاترین مقام رسمی کشور است و قوای سه گانه حاکم در کشور زیر نظر او انجام وظیفه می نمایند و تبلور این اشراف در اختیارات عمده کلیدی است که در قانون اساسی به رهبر داده شده و به نحوی هر یک از قوای سه گانه و مشروعیت آنها به او وابسته است

² حاکمیت قانون را می توان به معنای تبعیت تمامی آحاد جامعه؛ بالاخص مسئولین و زمامداران از قانون تعریف نمود. (غفوری و همکاران،

از قبیل تنفیذ حکم ریاست جمهوری، نصب و عزل فقهای شورای نگهبان و عالی ترین مقام قوه قضاییه. (بند ۹ و شقوق الف و ب بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی) بر طبق همین قانون اساسی و اصل ۱۱۳ آن رئیس جمهور پس از مقام رهبری، بالاترین مقام رسمی کشور است و از همین رو مسئولیت و اختیاری بالاتر از روسای دو قوه دیگر دارد که تبلور عمده آن در مسئولیت اجرای قانون اساسی است و بدین ترتیب اصل ۱۱۳ قانون اساسی می تواند معنی داشته باشد که می گوید: (پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه جزء در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد. (مهرپور، ۱۳۷۶: ۳).

زمینه اولیه سپردن مسئولیت اجرایی قانون اساسی به رئیس جمهور را می توان در اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی مشاهده نمود که مقرر می دارد: که رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور پیش بینی شده است، در یک نظاره تطبیقی به نظر می رسد که این اصل از ماده پنجم قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه اقتباس شده است که اعلام می دارد: «رئیس جمهور مراقب اجرای قانون اساسی است» پس از تصویب اصل یکصد و سیزدهم، رئیس جمهور «پس از مقام رهبری» عالیترین مقام رسمی کشور است (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۸۹، ۲۸۸).

با این ترتیب رئیس جمهور علاوه بر آن که مسئولیت نظارت بر اجرای قانون اساسی را بر عهده دارد، خود نیز شخصاً مجری بسیاری از اصول قانون اساسی است. صرف نظر از التزام اخلاقی که رئیس جمهور برای آن سوگند یاد کرده است، هر چند در عمل موضوع مراقبت نسبت به اجرای آن اصول توسط وی منتفی است. در این خصوص، حق قانونی دیوان عالی کشور نسبت به محاکم و محکومیت رئیس جمهور، به خاطر تخلف وی از وظایف قانونی تا سر حد عزل توسط مقام رهبری می تواند ضمانت اجرای مطمئنی برای اجرای صحیح قانون اساسی به شمار می آید (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۹۲).

۴-۱ نحوه نظارت رئیس جمهور بر تقنین قانون اساسی

رئیس جمهور از دو نظر در مراحل قانونگذاری اهمیت دارد و می تواند نظارت بر تقنین آن نماید؛ نخست آن که او به عنوان رئیس هیأت وزیران و رئیس قوه مجریه در سیر تهیه و تدوین لوایح، تأثیر ممتاز و تعیین کننده ای دارد و لوایح پس از امضای وی به مجلس تقدیم می شود. به موجب اصل ۷۴ قانون اساسی: «لوايح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می شود...» از آن جا که بیشتر قوانین در عمل، از طریق لوایح قانونی شکل می گیرند، روشن است که با اشراف و نظارت عالییه ای که رئیس جمهور نسبت به دستگاه اجرایی دارد، او و وزیران می توانند از طرح موارد مغایر قانون اساسی مندرج در لوایح پیشگیری کنند (عمید زنجانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸).

دوم آنکه اصل ۱۲۳ قانون اساسی مقرر می دارد:

«رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی، امضا کند».

براساس این اصل، امضای رئیس جمهور جنبه تکلیفی دارد و قانون اساسی برای رئیس جمهور حق وتو قوانین را قائل نشده است. در واقع، رئیس جمهور در مقام مسئول دستگاه اجرایی کشور از طریق امضای قوانین ضمن آنکه خود از قوانین مصوب آگاه می شود، دستور اجرای قوانین را به مقامات کشور و دستگاه های زیر مجموعه آن صادر می کند. در ظاهر به نظر می رسد رئیس جمهور در این مقام، هیچ نظارت و تأثیری در پاسداری و صیانت از قانون اساسی ندارد، اما با دقت در مفاد این اصل، آنجا که می گوید: «پس از طی مراحل قانونی» می

توان این حق را برای رئیس جمهور قائل شد که با بررسی مراحل وضع قانون و تشریفات و شرایط قانونی طبق قانون اساسی طی نشده باشد، رئیس جمهور می تواند از امضای مصوبه خودداری کند که مفهوم این خودداری ممکن است نظارت از قانون باشد. ضمانت تکالیف رئیس جمهور نیز نخست سوگندی است که او طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی یاد کرده و به موجب آن متعهد شده است که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باشد. و چون مفاد سوگند وی بسیار کلی بوده پس می تواند ناظر بر تمام وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور باشد.

در وهله ی دوم، شورای نگهبان که مرجع رسمی تفسیر قانون اساسی است خود به اعتباری وظیفه مهم پاسداری از قانون اساسی را بر عهده دارد، در مواردی تلقی یاد شده را درباره مسئولیت رئیس جمهور و انتظار اقدامات مؤثر را از سوی او برای جلوگیری از نقض قانون اساسی حتی در خصوص قوه قضائیه و مقننه ابراز داشته است. (منصوریان، ملازاده، ۱۳۹۴: ۲۵۹)

با توجه به مقام و موقعیت رسمی و اجتماعی برتری که رئیس جمهور، پس از مقام رهبری بر عهده دارد، حق نظارت وی بر تمام نهادها و مقامات قابل قبول و منطقی است. هر چند، اگر رئیس جمهور ریاست قوه مجریه را به ترتیب اصل ۱۱۳ پذیرفته است، همان اصل سیمت دیگری را تحت عنوان «مسئولیت اجرای قانون اساسی» برای وی قائل شده است و ربطی به قوه مجریه ندارد که بخواهند به بهانه تفکیک قوا این سیمت را مخدوش کنند. صرف نظر از تحلیل حقوقی، شرایط و جو سیاسی قابل انتقادی در کشور ما حکم فرماست که رئیس جمهور را در این رسالت اساسی با مشکلاتی مواجه کرده که برای رفع آن شکیبایی لازم است (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۹۱).

۵-۱ نحوه نظارت رئیس جمهور بر اجرای قانون اساسی

پاسداری اجرایی تحت عنوان «مسئولیت اجرای قانون اساسی» بر عهده رئیس جمهور قرار گرفته است، بدین منظور در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی می باشد. در راستای اجرایی کردن اصل مذکور، فصل دوم (موارد ۱۳ تا ۱۶) قانون تعیین حدود اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مقرراتی را بیان داشته است: که در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند به نحوی که خود مقتضی بداند از طریق اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده متخلفین به محاکم قضایی اقدام کند. در صورت مشاهده تخلف از قانون اساسی در دستگاه های حکومتی قانونگذار برای رئیس جمهور حق هشدار و اخطار به قوای سه گانه را قائل شده است.

این گونه اخطارها، هر چند که اثر حقوقی چندانی را به دنبال ندارند، اما واجد ارزش سیاسی و تبلیغاتی می باشد. در این ارتباط، «رئیس جمهور می تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجراء و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذ تنظیم کند و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند» طرح این گونه آمارها در مجلس، زمینه را برای ارزیابی قضیه احترام به قانون اساسی را فراهم می سازد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۹۰، ۲۸۹).

مکانیزم های کنترل رئیس جمهور در سه قوه حکومتی به ترتیب عبارت است از:

۱-۵-۱ نظارت بر قوه مقننه

با ملاحظه اصول قانون اساسی چنین به نظر می رسد که در قانون اساسی هیچ نوع اختیاری، که امکان اعمال نظارت بر تصمیمات تقنینی مجلس شورای اسلامی برای رئیس جمهور در پی داشته باشد، وجود ندارد. لذا نظارت بر اجرای آن دسته از اصول قانون اساسی که در حوزه تصمیمات تقنینی قرار می گیرد. علی رغم این که در حوزه وظایف رئیس جمهور قرار دارد از حوزه اختیارات وی خارج است؛ بر عکس، مجلس شورای اسلامی مکانیزم های کنترلی زیادی برای نظارت بر اعمال قوه مجریه به موجب قانون اساسی در اختیار دارد.

۱-۵-۲ نظارت بر قوه قضائیه

قوه قضائیه به طور کلی از تیررس نظارت رئیس جمهور خارج است، به دلیل این که قانون اساسی هیچ نوع اختیاری را برای رئیس جمهور در این زمینه قائل نشده است و این به خاطر، اقتضای استقلال قوه قضائیه و جلوگیری از نفوذ مقامات بر کار این قوه می باشد. (هاشمی، ۱۳۹۵: ۳۱۱).

۱-۵-۳ نظارت بر قوه مجریه

اصل شصتم قانون اساسی اعمال قوه مجریه را تحت ریاست دو نهاد مجزای «رئیس جمهوری» و «رهبری» قرار داده است. بنابراین قوه مجریه در نظام جمهوری اسلامی ایران دو رکنی است. البته نکته هایی را که می توان از اصل شصتم استنباط نمود این است که، ریاسترئیس جمهور بر قوه مجریه اصل است و ریاست رهبری

³ مطابق اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی که اعلام می دارد که قوای سه گانه مستقل از یکدیگرند، منظور استقلال و انحصار در انجام وظیفه است، نه نفی نظارت بر یکدیگر. (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۹۱)

استثناء. بر همین اساس اصل شصتم مقرر می دارد: اعمال قوه مجریه جزء در امور که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور یا وزراء است و همچنین قسمت اخیر اصل ۱۱۳ قانون اساسی بیان می دارد: «... رئیس جمهور ... ریاست قوه مجریه را جزء در امور که مستقیماً به رهبری واگذار شده است، بر عهده دارد» بنابراین ملاحظه می شود: آن دسته از اعمال قوه مجریه که به رهبری مربوط می شود تحت نظارت رهبری است و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم این که به موجب اصل یکصد و سیزدهم رئیس جمهور را مسئول اجرای همه اصول قانون اساسی می داند، حتی قسمتی از اعمال قوه مجریه را هم، از حوزه ریاستی وی خارج نموده است. نظارت رئیس جمهور بر قسمتی از اعمال قوه مجریه از نوع سلسله مراتبی است که می تواند تصمیمی که ناقض قانون اساسی باشد را لغو نماید و مقامات مدون که مرتکب تخلف از قانون اساسی می شوند را عزل نماید.

نتیجه گیری و بیان پیشنهاد:

با مطالعه متن حاضر در بیان نقش نظارتی ریاست جمهوری در تدوین و اجرای قانون اساسی می توان به این نتیجه رسید که: در باب نظارت تقنینی رئیس جمهور از آن جا که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مراکز دیگری به جزء مجلس شورای اسلامی نیز روابط و مقررات لازم الاجرا را وضع می کنند، به طوری که مصوبات آنها را هیچ مرجع نظارتی، نظارت نکرده و با قانون اساسی مطابقت نمی دهد. این امر باعث شد تا این نهادها در شرایطی مصوباتی مغایر با قانون اساسی وضع کنند. و همچنین زمانی که رئیس جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی از شورای نگهبان به عنوان مفسر قانون اساسی سوال می کند که آیا چنین مصوباتی مغایر با قانون اساسی هست یا نه شورای نگهبان به صراحت بیان می دارد که تطبیق مصوبات مجلس خبرگان با قانون اساسی به عهده این شورا نبوده و مصوبات خبرگان خارج از اصول قانون اساسی اعتبار ندارد. و همچنین حتی این امکان وجود ندارد که مغایرت مصوبات برخی از نهادها با قانون اساسی در دیوان عدالت اداری که رکن دوم و یگانه مرجع باقی مانده در نظارت تقنینی از قانون اساسی را در عرصه قوه مجریه انجام می دهد، صورت پذیرد. می توان گفت که عملاً امکان نظارت تقنینی برای رئیس جمهوری وجود ندارد.

درخصوص نظارت بر اجرای قانون اساسی از سوی رئیس جمهور نیز باید بیان داشت که اولاً رئیس جمهور در ایران به هیچ وجه حق امتناع از توشیح قوانین مصوب مجلس را ندارد و طبق ماده یک قانون مدنی وی موظف به امضای مصوبات و ابلاغ آن در ظرف پنج روز می باشد و در صورت استنکاف وی، به دستور رئیس مجلس، روزنامه رسمی موظف به انتشار آن در ظرف هفتاد و دو ساعت می باشد؛ به این ترتیب ملاحظه می شود که در این مورد جز تکلیف به امضای قوانین راه دیگری برای رئیس جمهور وجود ندارد.

ثانیاً در رابطه با قدرت نفوذ رئیس جمهور بر قوه قضائیه هم باید گفت رئیس جمهور در ایران با قوه قضائیه ارتباط چندانی نداشته و تنها پل ارتباطی بین این دو قوه، وزیر دادگستری می باشد که منتخب رئیس قوه قضائیه است. ثالثاً در زمینه نقش رئیس جمهور در قوه اجرایی باید گفت: با نگاهی کلی به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان گفت اختیارات رئیس جمهور در این عرصه نیز مورد بی مهری واقع شده و قانونگذار با اکتفا به امور شکی همچون: اختیار امضای عهدنامه ها و قراردادهای بین المللی، اعزام و پذیرش سفرا، ریاست هیات وزیران و ریاست سازمان های وابسته به خود یا اعمال نشان های دولتی، از تفویض اختیارات مورد نیاز رئیس جمهور غافل مانده، حتی در آن جا که نقش به ظاهر کلیدی ریاست شوراها را چون: شورای عالی امنیت ملی یا شورای بازنگری قانون اساسی و یا شورای عالی انقلاب فرهنگی به وی سپرده شده است باید گفت ریاست شوراها مذکور، امتیاز خاصی را نسبت به سایر مقامات حاضر در این شوراها برای وی به همراه ندارد.

از این رو برای اجتناب از چنین تعارضی، به نظر می رسد تشکیل هیاتی متشکل از حقوقدانان و صاحب نظران و صدور رای نظارتی (نه قضایی) از سوی این هیات، با تکیه بر ضمانت اجرای افکار عمومی، می تواند ما را از ورطه تعارض نظارت رئیس جمهور با اصل تفکیک قوا برهاند. مضافاً این که به عنوان پیشنهاد اصلاحی می توان گفت، اگر قرار بر این باشد که نظارت دقیق بر قانون اساسی صورت پذیرد تا ضمن اجرای قانون براساس دین اسلام برگزارکننده عدل و عدالت در بین مردم باشد. بهتر آن است که سرمایه های مادی و یا حمایت های معنوی را صرف سپردن وظیفه نظارت بر اجرای این قانون به دیوان عالی کشور، به عنوان عالی ترین مرجع رسیدگی به موارد نقض قانون، انجام پذیرد تا بتواند راهکاری مناسب در جهت نظارت توأم با ضمانت اجرای مؤثر و قانونی در راه اجرای صحیح قانون باشد.

منابع و مراجع:

- [۱] ایزدهی، سید سجاد، ۱۳۹۰، مبانی فقهی نظارت بر قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: نشر عروج.
- [۲] هاشمی، سید محمد، ۱۳۹۵، حاکمیت و نهادهای سیاسی، تهران: نشر میزان.
- [۳] عمید زنجانی، عباسعلی، همکار، ۱۳۸۹، نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری، تهران: دانشگاه تهران.
- [۴] غفوری، پژمان، همکار، ۱۳۹۷، درآمدی بر اصل حاکمیت قانون، شیراز، سومین همایش ملی مطالعات و تحقیقات علوم انسانی و اسلامی شیراز.
- [۵] فرهنگ، علی اکبر، ۱۳۸۷، فرهنگ جامع مدیریت، تهران: انتشارات پیام پویا.
- [۶] قاضی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه، جلد اول، چاپ دوم.
- [۷] مهرپور، حسین، ۱۳۷۶؛ مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و جایگاه هیات پیگیری و نظارت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۸] منصوریان، ناصرعلی، ملازاده، علی، ۱۳۹۴، ساز و کارهای ناظر بر صیانت از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۱.